

نسبت آراء آیت الله شهید سید محمد حسین بهشتی با نظریه عدالت

حسین راغفر

چکیده

فلاسفه سیاسی کوشیده اند مولفه های یک جامعه بسامان را با ارائه اصول عدالت بیان کنند. در جهت نیل به این هدف آراء متنوع و گوناگونی از عدالت ارائه شده است که این تنوع و گوناگونی متأثر از بنیان های متفاوت فلسفه اخلاقی است که هر یک از این آراء بر آنها استوار شده اند. فقدان یک نظریه از عدالت متناسب با ارزش های اسلامی یکی از کاستی های نظام سیاسی ما و یکی از دغدغه های اولیه پایه گذاران جمهوری اسلامی ایران از جمله مرحوم شهید بهشتی بوده است. اما علیرغم گذشت سی و سه سال از استقرار جمهوری اسلامی هنوز یک نظریه در باب عدالت اجتماعی مورد وفاق اندیشمندان این حوزه قرار نگرفته است.

این مقاله می کوشد تا نسبت آراء شهید آیت الله محمد حسین بهشتی را با نظریه های عدالت تعیین کند و مدعی استخراج اصول عدالت از نظرات ایشان نیست. به این منظور تلاش می کند با بازخوانی آراء ایشان در بستر نظریه های عدالت، به ویژه جان رالز، یک چارچوب مقدماتی برای مطالعه اصول عدالت از منظر شهید بهشتی فراهم آورد.

نتایج این مطالعه بر این نکات تاکید دارند که عدالت توزیعی در مرحله نخست مستلزم استقرار نهاد های ضامن تولید، مبادله، توزیع و مصرف بین شهروندان آزاد و برابر است. نهاد های اساسی اجتماعی مورد نیاز عدالت توزیعی، دستگاه حقوقی مالکیت، قرارداد ها، و سایر شرایط برای تولید، مبادله، و استفاده و مصرف محصول اجتماعی است. این نهاد ها خود محصول نظام سیاسی- اجتماعی هستند و از اینرو مساله عدالت توزیعی پیش از آنکه یک مساله توزیعی باشد به یک مساله طراحی سیاسی نهاد های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی تبدیل می شود.

کلید واژه ها: عدالت توزیعی، نهاد های اجتماعی، مبانی ماوراء الطبیعی عدالت، انصاف.